

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

کلام مرحوم شیخ در شرط سوم

مرحوم شیخ در مکاسب می‌فرماید اگر کسی قصد معنی ندارد بدین معنی نیست که قصد استعمال لفظ را در آن معنی ندارد: «... لا بمعنى عدم استعمال اللفظ فيه بل بمعنى عدم تعلق إرادته به» بلکه اراده‌ی جدی نسبت به معنای لفظ ندارد «و إن أوجد مدلوله بالإنشاء» یعنی چه بسا کسی قصد لفظ دارد و معنی استعمالی را اراده کرده و حتی قصد انشاء نیز داشته باشد، ولی معنی را به صورت جدی اراده نکرده باشد «كما في الأمر الصوري». بنابراین قصد المعنی در نظر شیخ یعنی اینکه متکلم اراده جدیه داشته باشد و این یعنی قصد المعنی غیر از قصد الإنشاء است.

توجه داشته باشید کلام در این است که شرط سومی که حضرت امام ذکر کرده، قصد المعنی است و نه قصد الإنشاء؛ اما اینکه قصد الإنشاء نیز برای عقد لازم است یا خیر، مسئله دیگری است.

کلام مرحوم نائینی

هر کدام از انشاء و اخبار سه مرتبه دارند:

مرتبه‌ی اول:

قصد اللفظ: اگر متکلم در مقام بیان یک لفظ عربی بگوید "افعل" در اینجا خود لفظ مستقلاً مدّ نظر قرار گرفته و معنای آن اصلاً مورد توجه و عنایت متکلم نیست! مراد از قصد اللفظ اراده استقلال لفظ نیست بلکه این قید به جهت اخراج ساهی و غلط و نائم است.

مرتبه‌ی دوم:

قصد المعنی (قصد الحکایة أو قصد الإيجاد): همان طور که متکلم قصد اللفظ دارد باید قصد المعنی نیز داشته باشد اما «... لا بمعنى كونه قاصداً لأصل المعنى فإنه بعد قصده اللفظ و علمه بالمعنى لأعقل عدم قصد المعنى...» یعنی قصد المعنی بدین معنی نیست که متکلم صرفاً خود معنی لفظ را اراده کند، اصلاً ممکن نیست که کسی معنی لفظی را بداند و آن را استعمال کند اما معنی آن را اراده نکرده باشد «... بل بمعنى كونه قاصداً للحکایة أو الإيجاد...» یعنی در جملات اخباریه قصد حکایت و در جملات انشائیه قصد ایجاد داشته باشد.

به عبارت دیگر «... أي كان داعيه على استعمال اللفظ في المعنى الحکایة عن وقوع هذا المدلول في موطنه» یعنی داعی او بر استعمال لفظ در معنی، حکایت از وقوع مدلول (در اخبار) یا ایجاد خارجی آن معنی (در انشاء) است.

مرتبه‌ی سوم:

قصد تحقق المضمون: «... فی الإخبار أن يكون مدلول اللفظ مطابقاً لما يحكى عنه» یعنی مضمون خبر و کلام مطابق با واقع باشد و إلا کذب خواهد بود. در مورد إنشاء نیز باید منشأ در عالم اعتبار محقق باشد «و فی الانشاء أن يكون المنشأ متحققاً فی عالم الاعتبار» بنابراین اگر مبيع خمر باشد، بايع در واقع قصد لفظ کرده، قصد معنى هم دارد ولی در عالم اعتبار اين مبيع ملك مشترى نمیشود، چون منشأ در عالم اعتبار محقق نمیشود. اما این مرتبه از اخبار و انشاء در حیطه اختيار و قدرت متکلم نیست «و لا يخفى أن هذه المرتبة فی الإخبار و الإنشاء خارجة عن اختيار المتكلم لأنها امرٌ خارجيٌ و ليست من مدلول لفظه أيضاً». (منية الطالب، جلد 1، صفحه 367)

اشکالات کلام مرحوم نائینی

اشکال اول:

مرحوم نائینی در توضیح مرتبه دوم فرمود: اگر کسی با علم به معنای یک لفظ آن لفظ را قصد و استعمال کند، عقلاً معنای آن را نیز قصد کرده «... فإنه بعد قصده اللفظ و علمه بالمعنى لأيعقل عدم قصد المعنى» یعنی پس از قصد لفظ، اراده‌ی جدی نسبت به معنى مفروغ عنه است؛ در حالیکه هم در باب إخبار و هم در باب انشاء ممکن است کسی لفظ را عن علم در معنای استعمالی آن بکار برد، اما نسبت به آن اراده‌ی جدی نداشته باشد. پس چگونه معتقدید که اگر کسی قصد لفظ کرد، لأيعقل که معنى را قصد نکند؟!

اشکال دوم:

مرحوم نائینی قصد الحکایة و قصد الإيجاد را در مراتب خود إخبار و إنشاء قرار داده، حال آنکه طبق نظر مشهور معنى إخبار حکایت و معنى إنشاء ایجاد است؛ یعنی نفس إخبار امری را حکایت میکند کما اینکه نفس عبارت "زَوَّجْتُ" زوجیت إنشائی را ایجاد می‌کند. و دیگر نیازی به قصد الحکایة و قصد الإنشاء ندارند.

بنابراین قصد اللفظ و قصد المعنى نه از شروط متعاقدين است و نه شرط خارجی عقد؛ بلکه از مقومات عقد میباشند. شرط باید غیر از مشروط باشد، در حالیکه قصد المعنى همانند ایجاب و قبول چیزی غیر از عقد نیست فلذا نه در زمره شرائط، بلکه از مقومات عقد تلقی میشود، چه اینکه تا ایجاب و قبول نباشد، اصلاً عقد از اساس محقق نمیشود، قصد المعنى نیز به همین صورت است. به همین جهت در انعقاد عقد معتبرند. حضرت امام نیز بر همین نظر است. (تحریر الوسيلة، کتاب البیع، جلد 2، صفحه 52)

شهید ثانی در کتاب التجارةى مسالك فرموده: «...من عدم تحقق القصد فی عقد الفضولی و المکره» یعنی عقد فضولی و بیع مکره باطل است چون قصد وجود ندارد. شیخ انصاری اشکال میکند که اگر قصد نباشد، پس حتی با اجازه بعدی مالک و مکره نیز نباید عقد صحیح باشد چون از ابتدا اصلاً عقدی محقق نشده در حالیکه کثیری از فقها بیع فضولی و مکره را بعد از الحاق اجازه مالک صحیح می‌دانند؛ فلذا کلام شهید باطل است، زیرا مکره قصد لفظ دارد، قصد معنى و اراده جدی هم دارد، منتهی طیب نفس ندارد، یعنی با اکراه این لفظ و معنى را اراده کرده است. به بیان مرحوم نائینی شهید ثانی خَلَطَ قصداً بقصد، یعنی رضایت باطنی را با آن قصد الحکایة یا اراده‌ی جدی خلط کرده است.

مسأله:

آیا تعیین من ینتقل الیه المال در حین عقد لازم است؟ یعنی آیا بايع و مشترى در حین عقد باید بدانند دقیقاً چه کسی مالک مبيع یا ثمن می‌شود؟

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين